

معنای شعر گل و گل / پایه هفتم

شیر در مفضل با آه و سوزر *** شنیدم که مرد پاره دوزر

چنین مرگفت با پیر عبوزر *** «گلر خوشبو در حمام روزر

رسید از دست مصوبی به دستم»

یک شب در مجلسی شنیدم که پیرمرد کفش دوزی با حسرت و ناله به پیرزنی می گفت: روزی در حمام گل خوشبویی از یار محبوبی به دستم رسید.

گرفتم آغ گل و کردم ضمیرر *** ضمیر نرم و نیقو، چوخ هریرر

معطر بود و خوب و دلپذیرر *** «بدو گفتم که مشکر یا عبیرر

که از بو بردلاویز تو مستم»

آن گل را گرفتم و با آن خمیری درست کردم که مانند ابریشم نرم بود. آن گل خیلی خوش بو بود. از او پرسیدم آیا تو مشک یا عبیر هستی؟ زیرا که بوی خوش تو من را مست کرده است.

همه گل ها را عالم آرزوم *** ندیدم چوخ تو و عبرت نمودم

چو گل بشنید ایع گفست و شنودم *** «بگفتا مع گلر ناچیز بودم

ولیکه مدتر با گل نشستم»

من گل های زیادی دیده ام ولی هیچ گلی مانند تو نبود و از عطر تو تعجب می کنم. وقتی گل این حرف مرا شنید گفت: من گل ناچیز و بی مقداری بودم ولی مدتی هم نشین گل شدم.

معنای شعر گل و گل / پایه هفتم

گل اندر زیر پای گسترده پر کرد *** مرا با هم‌نشین مفضل کرد

چو عمرم مدتر با گل گذر کرد *** «کمال هم‌نشین در مع لائر کرد

و گرنه مع همان خاکم که هستم»

گل خودش را زیر پای من گسترد و به من افتخار هم‌نشینی با خودش را داد. وقتی بخشی از عمرم در کنار گل گذشت، صفات خوب و عطر هم‌نشینم در من تاثیر گذاشت و من خوش بو شدم. و گرنه من همان خاکی هستم که بودم و تغییری نکردم.